

توسعه بی  
رسانش  
الگوهای  
وظ  
سیاست  
بسیار  
نفوذ  
فرهنگی  
آموزش  
است.  
مناسبات  
باید  
زمینه  
اینجا  
می‌برد  
و بهره  
آموزش  
بیابند.

فرهنگ  
تق  
موجبی  
اجتما  
منش  
نظام  
است.  
نیز به  
دیگر  
سود  
منتهی  
بازد  
عموم  
کوشش  
منظور  
معاشر  
مصنوع  
قوه



علی طایب

## تحول فرهنگی در آموزش منابع انسانی

اصولاً نهاد آموزش و پرورش وظیفه فرهنگی‌یابی و اجتماعی شدن افراد یک جامعه انسانی را به عهده دارد که منجر به شکل‌گیری شخصیت اساسی فرد می‌گردد. امروزه در بازار کار و تولید جامعه ایران، نیروی انسانی با ورود تکنولوژی از کشورهای پیشرفته صنعتی، با وجود استفاده از فنون بهره‌گیری از تکنولوژی مدرن از فرهنگ غیرمادی تکنولوژی وارداتی بدور مانده و دستخوش نوعی پس‌افتادگی فرهنگی است. محور اصلی و فلسفه اساسی آموزش، گسترش و تکامل معرفت، علم، اطلاعات و پژوهش است. تضعیف کشاورزی و خروج نیروی کار از این بخش و هجوم

آن در بخشهای روبه‌رشد خدمات و در نهایت مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ، بر بخشهای صنعتی و تولیدی کشور نیز ضربات مهلکی وارد کرده است. «صنعت و فضای صنعتی، نیروی انسانی خاص خود را می‌طلبد که دارای تفکر و بینشی خردمندانه و با رفتاری منطقی و خودآگاه بوده و پیرو نظم و سلسله مراتب شغلی باشد. اما هجوم گروههای وسیعی از روستاییان با تفکرات به ارث رسیده از نظام عشیرتی - فئودالی به واحدهای صنعتی، ساختار فکری و فرهنگی (عقلانی و منطقی) حاکم بر بخش صنایع را در هم ریخت و معضلات عدیده‌ای از جمله از هم پاشیدگی

انجام بخشهای صنعتی و در نتیجه کاهش تولیدات را بیار آورد»<sup>(۱)</sup> تفاوت امروز در سه بهره‌وری نیروی انسانی کشورها و واحدهای اقتصادی از منابع مختلفی چون انگیزش در برابر کساحلی، هماهنگی در برابر اختلال مکرر انعطاف‌پذیری در برابر تحجر و انجماد فکری ارتباطات در برابر خودمحوری و... است که ریشه این تفاوتها اساساً فرهنگی است»<sup>(۲)</sup>

امروزه آموزش علمی و عقلاتی در فرهنگ عمومی چنان پراهمیت است که پیامد آن در همه ابعاد کار و فعالیت و زندگی انسان گسترده است. آموزش خصایص ویژه فرهنگی که در جهان

فرهنگی توسعه شماره هجدهم /

سبب یافته از دوره‌های پیش از نوزایی علمی با سانس، شکل گرفته، می‌تواند زمینه‌ساز تغییر نگرش‌های فکری و رفتاری شده و به صورت یک سبب مللی در سرلوحه خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاریها قرار گیرد. «علیرغم وجود اثرات ساز عوامل اقتصادی، یافته‌ها نشان می‌دهد که نفوذ هنجارهای اجتماعی و ارزشهای دینی و فرهنگی نیز بسیار بالاست که البته در اینجا نقش آموزش خاصه در بعد غیرشناختی‌اش بسیار مهم است»<sup>(۳)</sup> تأسی به ظواهر و مظاهر روابط و اساسات و الگوی زیست‌کنونی جوامع توسعه یافته به مبتنی بر یک روند طولی بوده و به گذشته‌ها و آینده‌های تکوین این تجلیات فرهنگی بازگردد. در اینجا به بررسی از این ویژگی‌های فرهنگی می‌پردازیم که به عنوان مانع فرهنگی ارتقاء کارایی بهره‌وری منابع انسانی و توسعه ملی باید از نظام آموزش عمومی زدوده شده و جایگزینهای مناسب

## فرهنگ تحقیق

تقلید خاصه از نوع فرهنگی - اجتماعی آن موجب آنتروپی (Entropy) یا اختلال در سیستم جمعی - فرهنگی می‌شود. تأثیرات جانبی این شیوه فرهنگی در حوزه‌های دیگر کنشها و خرده‌ساختها و خرده فرهنگهای اجتماعی قابل شناسایی است. اثرات تقلید در حوزه فعالیت‌های اقتصادی بزه روحیه آماده‌خوری در استفاده از رنجمایه بیکران، گرایش به کار دلالی و واسطه‌گری و سودخواهی‌های آبی و بی‌دردسر و بی‌اندیشه مبنی می‌شود. جان پولاک، سیاح انگلیسی در بازدید از ایران می‌نویسد «استادان پیشه‌ور که عموماً با فعالیت و پشتکار در بازار کار می‌کنند، آشنی در تکمیل پیشه خود نشان نمی‌دهند. بیشتر نظرها از این همه تلاش شبانه‌روزی تأمین شانس روزانه است. امروزه کار ایشان به تقلید از صنوعات اروپایی محدود می‌شود، بدون این که در ابداع و اختراع خود را بکار اندازند»<sup>(۴)</sup>

گستره منش تقلید در علم و تکنولوژی و طبق نیز به آماده‌خوری و پیروی از علم و دانش ناهم‌پیکانه و یا افراد و گروههای دیگر علمی تحت تأثیر مکاتب مختلف علمی منجر می‌شود. چنان سرفتهای ادبی فراوان، گرایشهای مکتبی و فکری با اندیشه‌های علمی از سوی شاگردان آن آفتاب یا اندیشمندان آنها و در نهایت «انفعال» یکی در عرصه سبقتهای فرهنگی که در دستگاه سلسله تعامل فرهنگی به صورتی یکسویه تجلی یافته و به نظر نوعی تهاجم فرهنگی جلوه یافته. (۵) لرد کرزن می‌نویسد «سه ویژگی در سرنوشتی ایرانیان وجود دارد که حاکی است از بی‌انگیزگی قوم و ملتی پاینده‌اند: «یکی زنده‌دلی و بی‌انگیزگی و دوم استعداد بسیار در کار تقلید

## فرهنگ کار و کوشش و تولیدگری

### بجای قناعت به اندک

قناعت به اندک در مقابل فزون‌خواهی (نه به معنای اسراف و تبذیر) موجب ایجاد گرایش و منش فقر، سکون و ایستایی انگیزه‌های تولید و توقف رشد و توسعه اقتصادی شده است. مفهوم قناعت به اندک عبارت است از قناعت توأم با فقر که به هیچوجه نقطه مقابل اسراف نبوده و از نوعی گرایش و نگرش صوفی منشانه منشأ می‌گیرد. این منش فرهنگی که پنداری عمومی و غیراستدلالی است می‌تواند به عنوان یکی از موانع پویایی، تلاش برای کار و تولید بیشتر و در نهایت افزایش مال و ثروت محسوب شود. این مفهوم در مقابل تولیدگری یا بهره‌وری (Productivity) قرار داشته و نوعی تقابل با فرهنگ کار و تولید بشمار می‌رود. «قناعت به اندک و زهد ورزیدن در معیشت و تلخکامی از زیستن در دنیا و شاکر و آرام بودن بر رزق مقوم و عبث پنداشتن تلاش برای افزایش رزق و روزی و منفعل شدن که همگی از تعلیمات شایع صوفی منشی‌اند، مطلقاً با توسعه‌طلبی امروزیین هماهنگی ندارد که آدمی را ناآرام و فزون‌طلب و بلندپرواز و آیسندنگر و برنامه‌ریز و دنیاخواه و خسروروز و محاسبه‌گر و فعال و زندگی‌ساز می‌خواهد»<sup>(۷)</sup>

روند رشد و توسعه جوامع غربی نمایانگر این واقعیت است که تحت تأثیر آموزشهای سنتی دنیاگرا و ضرورت اجتماعی تلاش و کوشش ناشی از رشد تدریجی روابط سرمایه‌داری و انباشت ثروت و فزون‌خواهی، قناعت را نه در تولید بلکه در مصرف ترویج کرده و با تلاش بیشتر جهت سعادت این جهانی، الگوهای مصرف نیز تدریجاً از قناعتی ثابت و از پیش تعیین شده خارج می‌شود. با این همه بطنی و بی‌رونتی زندگی ایرانیان نیز در گوشه و کنار کشور و پس‌برده‌های فاخرش، این عدم انگیزه و قناعت به اندک را به انحای مختلف در خود نهفته دارد. زمینه اجتماعی و تاریخی پیدایش این خصلت و منش قناعت به اندک و تأمین و رضایت به حداقلها در زندگی، کار و کوشش و خلاقیتها می‌تواند عوامل متعددی نظیر ناامنی سیاسی، محدودیت زندگی، بی‌اختیاری افراد در تعیین سرنوشت خود و نوعی سلطه‌پذیری، روحیه آماده‌خوری و بی‌میلی نسبت به دنیا و محتوایش داشته باشد که قابل تحقیق و بررسی است. شواهد تاریخی این امر بسیار است چنان که اندرزگری در اندرزنامه خود به نام حکایات‌السلطین» می‌نویسد: «خصلت متعالی انسان در قناعت است، کسی که از گلیم خود پای بیرون نهد و ندارد به ننداری خود خرسند باشد. هر کس در منزلت

### قاعده تکرار همواره در ماهیت تقلید وجود داشته و در اعمالی نظیر پژوهش و دانشوری منشأ آثار درخشانی نیز بوده است و در عین حال گاه مانع هرگونه تحول، تغییر و تطور مطلوب و متعالی نیز گردیده است.

است که از این نظر در مشرق‌زمین همواره شهرت داشته‌اند چنان که هرودوت هم در ۲۵۰۰ سال پیش، از قدرت درک و تقلید ایرانیان سخن رانده است»<sup>(۶)</sup> قاعده تکرار همواره در ماهیت تقلید وجود داشته و در اعمالی نظیر پژوهش و دانشوری منشأ آثار درخشانی نیز بوده و در عین حال گاه مانع هرگونه تحول، تغییر و تطور مطلوب و متعالی نیز گردیده است. به نظر گابریل تارد، قاعده تکرار موجب درونی شدن انواع منشها و رویکردهایی می‌شود که با الگوپذیری تقلیدی‌اش، روندی یکسان و یکنواخت را به دست داده و موجب ایستایی می‌شود. بدین ترتیب جهت اصلاح و بهبود این منش در جهت تحقیق و نوآوری و کاوشگری باید به شناسایی دقیق این خصیصه در متون آموزش رسمی و غیررسمی و ارتباط آن با الگوهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، علمی و تکنولوژیک پرداخت تا با تثویز کردن آن در راستای فرهنگ نوگرایی و تحول‌گرایی و خروج از ایستایی و سکون فرهنگی - اجتماعی به بهره‌وری فرهنگ و فرهنگ



جماعت اختلاف پدید می‌آید. به عقیده مؤلف قناعت، خودگنجی است بی‌پایان و حسرت به مال و منصب بزرگان نارواست.<sup>(۸)</sup> در جای دیگر ژوبر در سفرنامه خود در سال ۱۸۰۶ م می‌نویسد: «در نظر ایرانیان سعادت یعنی تن‌آسایی و لذت، یعنی درد نداشتن. آنان بی‌قید و ولخرج هستند. کشاورز به اندازه‌ای بذرافشانی می‌کند که کفاف نیاز سالانه‌اش را بدهد و شهری جز ساختمانی موقتی برای خود نمی‌سازد. آنها از دارایی تنها شادمانی می‌خواهند. هیچکس به خود زحمت به دست آوردن اطلاعات کاملاً سوداگرانه که متضمن آینده‌نگری مطابق با اندیشه و برنامه است، نمی‌دهد.»<sup>(۹)</sup> این روحیه در عرصه‌های دیگری چون علم و دانش و بسنده کردن و اکتفا به اطلاعات حداقل و عدم تلاش برای کندوکاو و پژوهش بیشتر در آنها و در نتیجه رشد و ارتقای انبیا علمی و پیشرفت فنی و افزایش نرخ بهره‌وری و تولید نیز نمایان می‌شود که بازیابی و شناسایی آنها سبب تسهیل فزاینده افزایش بهره‌وری نیرو و سرمایه انسانی در جامعه خواهد شد.

### فرهنگ دنیاگرایی بجای دنیاگریزی

مطالعه تاریخ تحولات توسعه‌ای اروپا و نحوه برخورد کلیسا با علمی و عقلانی شدن جامعه در مراحل اولیه فرایند توسعه در این کشورها نمایانگر این نکته است که تحقق توسعه اقتصادی در اروپا مستلزم تغییرات در تفکر این جوامع بوده است. به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که تفکر غیرقابل انعطاف کلیسای آن زمان باعث شد که فرایند توسعه بسیار آهسته حرکت کند و تا زمانی که بازنگری در آن مطرح نگردیده و اعتراضات شدید به آن وارد نشده، فرایند اقتصادی نتوانسته است به توفیق قابل توجهی دست یابد. «در زمره این اعتراضات بر تفکر خشک مذهب قدیم کلیسایی، این نکته نیز مطرح بوده که باید به دنیا اندیشید، باید مادیات را خواست. زندگی بهتر و زندگی در ناز و نعمت گناه نیست؛ خلاصه این که فکر به دنیا و خواست دنیا به معنای بی‌دینی نیست.»<sup>(۱۰)</sup>

هامفر جاسوس انگلیسی درصدد ایجاد شکاف بین مسلمین و ایرانیان می‌نویسد «عمده نقاط ضعفی که دیدیم عبارتند از ترک دنیا و فقط چسبیدن به آخرت و اختصاص اعمال به این مقصد.»<sup>(۱۱)</sup> احمد کسروی در این باره می‌نویسد «امروزه ایرانیان به دو گروهند: یکی آنان که کهنه اندیشند و پیروی از کیشها می‌کنند، دیگری آنان که نو اندیشند و چیزهایی را از اروپا یاد گرفته‌اند. آنان که پیروان کیش‌اند، آنان از آمیغ‌های زندگی بسیار دورند. آنان زندگی را برای کارهای کیش خود که مایه آبادی جهان دیگرشان پنداشته‌اند می‌خواهند و این است که در زمینه کار و پیشه و کوشش، یگانه

### از آنجا که هر عملی محصور در زمانی و مکانی خاص است، فرهنگ هر جامعه‌ای بیش از آن که جنبه جهانی پیدا کند، صددرصد جنبه بومی دارد و فرهنگی که هویت اصیل داشته باشد، اقبال جهانی شدن را نیز خواهد یافت.

که پولی بدست آورند و روزی خانواده خود را راه بیندازند. در نزد آنان گفتگو از بسیجیدن (تولید)، گساریدن (مصرف) و آبادی کشور و فیروزی توده و مانند اینها ارجحی ندارد.»<sup>(۱۲)</sup> او با چنین تفسیری از منش ایرانی نتیجه می‌گیرد که «بی‌دلیل نیست که در این کشور مفتخوری تا به این اندازه رواج یافته، یا کارهای بیهوده تا به این اندازه فراوان گشته، و بنا اینکه بیشتر زمینهای کشتنی این کشور خشک و ویرانه افتاده است و به همین خاطر است که سرزمینی که از روی حساب باید دست کم به ۲۵۰ میلیون مردم خواروبار دهد به ۲۰ میلیون هم نمی‌دهد و غله برای ما از هند می‌آورند.»<sup>(۱۳)</sup>

### آموزش کاربردی به جای آموزش انتزاعی

تاخر فرهنگی محصول آموزش نوین پدیده‌های نوپدای علمی - فنی و الگهای فرهنگی و فکری غرب و ناهمبوی‌اش با سنت و باورهای سنتی است. در چنین فضایی کمتر کسی آموخته است که از دانش فراگرفته خود به صورت عملی

داده شده است. چنان که دیپلمه‌های از دانش مانده در رشته‌های مختلف به یکسان از تخصص فنی و کاربردی عاری‌اند و دانشگاهها تحصیلکردگان عالی نیز کمتر در مشاغل جذب می‌شوند که مبتنی بر تخصص‌شان باشد چرا که مشاغل یا میدان عمل ما بر پایه دانشهای آموز داده شده تعبیه نشده‌اند و این سرمایه‌گذارهای آموزشی در نهایت و در مرحله عمل و کاربست به هیچ نیامده و از گرد راه رسیده دیگر با اتکای به روابط و سفارشات دیگر در میدان عمل جای می‌گیرند و این همه بدانجا بازمی‌گردد که قابلیتها و بسترهای طراحی و راه‌اندازی بسیار از رشته‌های علمی در اینجا مهیا نشده‌اند و صرفاً یک رونویسی و مشابه‌سازی و الگوبرداری تقلیدآمیز، آموزهای را به صورت وصله ناجور و پیکر آموزش دوخته‌اند و ترکیب بی‌رنگ و بوی آموزش سنتی را منقوش ساخته‌اند.

آموزشهای انتزاعی و دور از نیاز و واقعیت جامعه مسبق به سابقه اعزام اولین دانشجویان خارج از کشور است که پس از بازگشت به میهن علت نبود زمینه مناسب، به صورت عاطل و باطل درآمد و به مشاغل غیرمربوط اشتغال ورزیدند. در این اعزامها «اکثر اعزام‌شدگان از خانواده‌های متمول بوده و به علت فقدان زمینه مساعد جهت کاربرد آموخته‌های اعزامیان در ایران، اکثرشان پس از بازگشت شغلی یافتند سوای آنچه تحصیلات آنها ایجاب می‌کرد: اطباء به دربار پناه بردند و معاندان شاه و شاهزادگان شدند، آن که چیدن ریزی خواند بود به امور اداری پرداخت، معدن‌شناس و بلورساز و ساعت‌ساز و عدسی‌تراش دوربین، کارمند وزارت خارجه و چینی‌ساز و کارگر خزایی، ژنرال کنسول ایران در مصر شدند.»<sup>(۱۴)</sup> انسان نوین ایرانی با انسان امروز نداشت، چنان از لحاظ فرهنگی متفاوت بود که در معنا و گنجه روابط قابل نمایان بود. فرق این انسان امروز که دانش او مبتنی بر علم است، با انسان قدیم که در پوسته آموزش‌های نوین و سبک زندگی سنتی است، در خرد تکنولوژی است. بدین معنا که «وقتی انسان جدید مثلاً آب می‌بیند فکر تغییر مسیر آن و بردن آن به طرف توریین و گرفتن انرژی از آن به ذهنش می‌رسد، اما این که انسان قدیم از آب این درک را دارد که بنشیند بر لب جوی و گذر عمر ببین.»<sup>(۱۵)</sup> حال اگر انسان با وقوف به عمل خویش بنگرد و با وقوف از تمام عمل خویش بهره‌مند شود، سعادتش سالم نصیب خواهد شد چرا که «دانش او و عمل ناشی از دانش و دانش ناشی از عمل، او را در شادی غرق خواهد کرد... و از آنجا که هر عملی محصور در زمانی مکانی خاص است، فرهنگ هر جامعه‌ای بیش از آن که جنبه جهانی پیدا کند، صددرصد جنبه بومی خواهد داشت. فرهنگ که هست اصلاً داشته باشد، آنرا

مانی شدن را نیز خواهد یافت ولی موقعی که  
ساز برگرده کسی تحمیل شود و دانش ناشی از  
عمل به ضرر عمل و انجام دهنده یک عمل تمام  
شود خود به خود وضعی پیش می آید که فلاسفه از  
آن به از خریدگانی تعبیر می کنند» (۱۶)

## خردگرایی به جای خردگریزی و

### اوهوم پرستی

در قلمروی علم و عمل، خردوژی یا عقلاتی  
شدن (Rationalization) به معنای انطباق آگاهانه،  
سنجیده، درست و کارآمد وسایل با اهداف  
سرودنظر است و اشاره دارد به مجموعه  
زیاندهایی که از طریق آنها هر جنبه از کنش انسان  
در معرض محاسبه، سنجش و کنترل قرار می گیرد.  
از نظر ماکس وبر (M. Weber) «حصول عقلانیت  
در سازمان اقتصادی متضمن سازمان یافتن کارخانه  
با وسایل دیوانسالاری و محاسبه سود با رویه های  
حسابداری سیستماتیک، در مذهب متضمن پدید  
آمدن الهیات بوسیله قسری از روشنفکران، در  
قانون متضمن برافتادن راه و رسم قانونگذاری  
خلع الساعه و خودسرانه بوسیله استدلال حقوقی  
استقرایی و بر اساس احکام شامل و همگانی، در  
سیاست متضمن افول هنجارهای سنتی مشروعیت  
و سرپرده شدن جای رهبران وجیه المله یا  
کاربرماتیک (Charismatic) به دستگاه حزبی، در  
رفتار اخلاقی متضمن تأکید وافرتر بر انضباط و  
سمازت، در علم متضمن زوال چهره مبتکر منفرد  
و پیدایش تیمهای پژوهشگران و تجارت هماهنگ  
شده و سیاست های علمی عملی و در جامعه  
بطور کلی متضمن گسترش دیوانسالاری و کنترل و  
نازده دولتی بوده است» (۱۷) از سوی دیگر  
خردگریزی و خردستیزی نیز تمایلی است که از  
سوی هواداران و اهل دل و ایمان ترویج یافته و  
منحصراً بر عرقای اشرافی و افکار لاهوتی است.

با وجودی که خردگرایی وجه مشخصه جامعه  
نوسه یافته امروز است ولی «در جنگ های صلیبی  
روپاییان متوجه شدند که یکی از راز و رمزهای  
یشت علم و تکنولوژی در عالم اسلام، توجه بر  
عقل، استدلال و برهان است. آنان با آثار ارسطو از  
طریق فارابی، ابن سینا و ابن رشد آشنا شدند و این  
آشنایی سنت ضد عقلی کلیسای کاتولیک را متزلزل  
ساخت» (۱۸) برخی از محققان، قرن چهارم و  
پنجم هجری را دوره رنسانس اسلامی نامیده اند که  
از نظر علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، دوره  
بسیار شکوفایی بود. پس از آن با آمدن مغولها و  
خردورزی فرا می رسد. بنابراین در قرن ۱۷ م.  
مصادف با قرن ۱۱ هجری، آخرین تلاشها برای یک  
استنباط عقلی از شرع با ملاحظه پایان می پذیرد و  
«جای آن جریان هایی که دریافتی صرفاً با ظواهر  
شرع از دین دارند، جا می افتند و یک تصور

«خرد تکنولوژیک یعنی باید این فکر در ما رسوخ  
کند که از کلیه منابع بهره برداری عقلاتی کنیم» (۲۰)  
در این فرایند، عقل عمده تصمیمات خود را در  
جهت نیل به هدف براساس تکنولوژی مدرن اتخاذ  
کرده و از اتلاف هزینه، بیراهه ها و کژراهه ها احتراز  
کرده و به سهل الوصول ترین روشهای نوین تأسی  
می جوید. بهره جویی از تکنولوژی مطلوب، پایه و  
اساس نیل به بهره وری است.

ب) خرد دمکراتیک: «یعنی حاکمیت منبعث از  
مردم و بکارگرفتن عقل مردمی در تمامی امور  
معیشتی مردم، روابط، مناسبات و فرهنگ  
مردم» (۲۱) عقلی که متکی بر دمکراسی بوده و از  
مطلق انگاری و یکسویه نگری در سیاست گذاریها و  
تصمیمات خودداری می کند. چنین بنیان عقلی  
برای اقشار و صنوف مختلف اجتماعی، اقتصادی،  
سیاسی، فرهنگی و علمی میدان عمل و بیان نظر  
گشوده و با استفاده از نقطه نظرات تمامی اقشار و  
گروههای مردمی و نخبگان، تمامی ابعاد و زوایای  
یک عمل یا تصمیم را روشن ساخته و فرایند نیل به  
هدف را ضمانت می بخشد. بر این اساس مشارکت  
همه آحاد یک ملت در تصمیمات کلان مطمح نظر  
بوده و همه کس می توانند در تعیین سرنوشت خود  
مسفید بسوده و بسا درونی ساختن روحیه  
مسئولیت پذیری، نظارت و پیگیری، از عواقب عمل  
خویش نیز باخبر شده و دیگر یک نهاد همچون  
دولت را به باد انتقاد و حملات خود نگیرند.

## وقت شناسی و زمان سنجی به جای

### وقت کشی

ویژگی فرهنگی دیگری که در جامعه ایران  
مشهود است عدم توجه به زمان است. در دنیای  
امروز، انسان با پدیده ای به نام کمیابی مواجه است  
که انرژی، منابع طبیعی و زمان یکی از آنهاست.  
انسان مدرن با توجه به رشد فزاینده علم و  
تکنولوژی دیگر به اتلاف عمر و زمان خود  
نپرداخته و درصدد استفاده حداکثر از زمان حداقل  
خود است. بهره وری در زمان عاملی است که در  
همه معادلات تولیدی، اقتصادی و سیاسی و علمی  
- فرهنگی حایز اهمیت است. لحظه ای غفلت در هر  
عرصه از سیاست گذاری و یا تصمیم گیریها چه بسا  
فرصت های مغتنم و مناسب را از دست داده و  
مقرون به هدف و صرفه نباشد. امری که امروز  
وافی مقصود است فردا شاید هیچ در نظر نیاید و به  
هیچ نیارزد. با توجه به عواملی چون کشش جسمی  
و ذهنی انسان در سنین خاص، رقابت فشرده  
انسانها در سطوح محلی، منطقه ای، ملی و جهانی  
در دستیابی بر امتیازات و نوآوری و ابتکار عمل،  
دگرگونی سریع و شتابان علم و تکنولوژی و  
تغییرات و صیوروت اوضاع و احوال اجتماعی و  
سیاسی، بیانگر اهمیت بیش از حد زمان است.  
در کنار عوامل برشمرده فوق، می توان به

یکی از راز و رمزهای پیشرفت  
علم و تکنولوژی در عالم  
اسلام، توجه بر عقل، استدلال  
و برهان است. آنان با آثار  
ارسطو از طریق فارابی،  
ابن سینا و ابن رشد آشنا شدند و  
این آشنایی سنت ضد عقلی  
کلیسای کاتولیک را متزلزل  
ساخت.

خردستیزی از دین پیدا می کنیم و در همین زمان،  
غرب نقطه مقابل این کار را انجام داده و  
«می اندیشم» دکارت را در دوره جدید آغاز  
می کند» (۱۹) خردگرایی، تعقل و سعی در انطباق  
وسیلله با هدف شناخته شده و روشن، اصل  
اجتناب ناپذیری است که در ارتقای بهره وری  
نیروی کار و رشد و توسعه نقش کلیدی دارد. تا  
زمانی که مردم به عنوان موجوداتی عاقل و بالغ در  
نظر نیابند و نتوانند منافع و مصالح خود را بیان  
کنند و بشناسند، بیراهه ها بسیار بوده و توسعه  
مبتنی بر بهره وری حاصل نخواهد شد. این خرد بر  
دو عامل متکی است:

الف) خرد تکنولوژیک: خردی که مبنای خود را  
براساس تکنولوژی امروز قرار می دهد و با  
تکنولوژی امروز در تولید یا اتوماسیون و ماشینی  
شدن (Automation) و تکنولوژی کنترل و  
دسته بندی اطلاعات یا سیبرناتیون  
(Cibernation) در بخشهای اقتصادی و فرهنگی -  
علمی به برنامه ریزی و سیاست گذاری می پردازد.



عوامل دیگری نیز اشاره کرد که در فرا راه افزایش بهره‌وری نیروی انسانی در قالب آموزش و در عرصه‌های تحقیق و مدیریت به فرهنگ تولید و تولیدگری یا بهره‌وری در سیستم کار و تولید جامعه کمک رسانند. یکی از این عوامل عبارتست از:

### فرهنگ سازمانی یا اداری:

در تعریف فرهنگ سازمانی، آمزوا (Umezawa) می‌نویسد «عبارتست از الگوی رفتاری و فکری خاص یک سازمان. این الگوهای رفتاری در بین اعضای یک سازمان قابل مشاهده است و الگوهای فکری در افکار و اذهان اعضای سازمان مشترک است. لذا برای افزایش بهره‌وری، همه توجهات نمی‌تواند منحصر به عوامل اقتصادی باشد بلکه حداقل عوامل غیراقتصادی همچون کیفیت زندگی، انسانیت، روحیه جمعی و... نیز بطور برابر حایز اهمیت‌اند» (۲۲)

اصولاً نظام سیاسی هر جامعه‌ای متشکل از مجموعه‌ای از نیروهای دفتری و دیوانی است که به رتق و فتق امور، مالیات‌ها، خدمات‌رسانی، حسابرسی اموال و نظارت و کنترل اجتماعی مردم می‌پردازند. دیوانسالاری یا بوروکراسی از لحاظ تاریخی مفهومی بوده که با حاکمیت دولت و مقامات دولتی ارتباط داشته است. ماکس وبر دیوانسالاری را بهترین صورت پیگیری عقلانی یا کارآمد سازمان می‌داند. عناصر دیوانسالاری از نظر او عبارتند از: «درجه بالایی از تخصص و تقسیم کار مبتنی بر تعاریف روشن، سلسله مراتبی بودن ساخت اقتدار، همراه یا در میان بودن حدود مشخص فرماندهی و مسؤلیت، وضع مجموعه‌ای از مقررات رسمی حاکم بر عملیات و تشکیلات، اداره مبتنی بر مدارکی که بر کاغذ ثبت شده‌اند، روابط غیرشخصی بین اعضای سازمان و ارباب رجوع، استخدام کارکنان براساس قابلیت و دانش فنی، درازمدت بودن اشتغال و استخدام، ترفیع براساس ارشدیت یا لیاقت، ثبات دستمزدها و جدایی درآمد خصوصی از درآمد رسمی» (۲۳) به عبارت دیگر بوروکراسی، نظام کنترل اجتماعی یا اقتدار است که چون از سوی افراد آن به عنوان قوانینی عقلانی، عادلانه و بدون جانبداری تلقی می‌شود، مورد قبول‌شان است. با وجودی که به نظر می‌رسد دیوانسالاری به عنوان پدیده برجسته و مهم جوامع صنعتی و دول بزرگ، مظهر کوششی عقلانی است برای هدایت هماهنگ همه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی در عصر صنعت که پیدایی آن امری اجتناب‌ناپذیر است ولی در نهایت به نوعی تمرکزگرایی، انحصارطلبی و زورگویی منتهی می‌شود. به نظر کروزیه «گروه‌های همکاران می‌کوشند با گردش ظاهری در برابر مقررات، آزادی عمل خود را به حداکثر برسانند، در حالی که روح مقررات را نادیده می‌گیرند و هر جا بتوانند آن را

### خردگرایی، تعقل و سعی در انطباق وسیله با هدف شناخته شده و روشن، اصل اجتناب‌ناپذیری است که در ارتقای بهره‌وری نیروی کار و رشد و توسعه نقش کلیدی دارد.

زیرپا می‌گذارند. آنها قادرند از دادن اطلاعات طفره برونند یا به تحریف آن بپردازند» (۲۴) هرچند که بوروکراسی و تسلط بر امور دفتری و دیوانی حکومت در پی برقراری نظم و نسقی در امور حکومتی در مواجهه با مردم است ولی در نظام‌های سیاسی متمرکز و مستبد نظام اداری در کنار فقر روزافزون به سوی فساد و اختلاس و رشوه‌گیری تمایل یافته و روزه‌روز بر تشت و بی‌هنجاری و بی‌اعتنایی بر قانون دامن می‌زند. در چنین روندی، حکومت جهت کنترل دوباره خدمه خود در نظام دیوانی، قانون بیشتری را اعمال می‌کند و در سایه کنترل بیش از پیش، نیروی انسانی این نظام بطور روزافزون مستورم شده و در نهایت به صورت مجموعه ناکارآمد و جیره‌خواری درمی‌آیند که جز زیان اقتصادی و در نهایت زیان سیاسی، نمره دیگری نخواهد داشت.

در جامعه ایران، دولت با توجه به تمرکز قدرت و انحصار ثروت و تملک اراضی همواره نیازمند خدمه و عواملی بوده تا به تنظیم موجودی، اجاره‌بها، بهره‌برداری و دیگر امور و اخذیها بپردازد. «حقوق‌بگیران دولت تا چند دهه قبل عموماً نوکران دولت خوانده می‌شدند که بعداً بطور رسمی به مأموران دولت و سپس به کارمندان دولت

مبدل شدند. اما در افواه کماکان همان اصطلاح قدیمی و خیلی با معنی‌تر رواج دارد» (۲۵). سیاسی ایران از دیرباز نیروهای قلجماق را سرکوب و نظم تحمیلی و علنی و نیروهای اصطلاح «میرزایی» را برای کنترل پنهان مردم گمارده است. بوروکراسی با وجودی که پدید آمدن و مولود جامعه صنعتی قلمداد می‌شود به صورت سنتی در ایران وجود داشته و از آنجا که تغییرات اقتصادی سریعتر از تغییرات سازمان فرهنگی روی می‌دهند، با ورود عوامل نشانه‌های جوامع صنعتی در ایران و تنوع خدمات اجتماعی، بخش خدمات‌رسانی ایران دچار تأخر یا پس‌افتادگی فرهنگی شده و هم در روابط و مراتب خود روحیه و منش نوگرایی را حفظ کرده، گروه‌گرایی را پیش برده و دروغ و چاپلوسی و رشوه و اخاذی و اختلاس و یدک کشیده است. پولاک انگلیسی در بازدهی ایران عصر قاجار می‌نویسد «هرگاه رئیس بتول مقام یا قدرت و نفوذی را احراز کند، در مقام صدراعظم شود، بی‌درنگ می‌کوشد با عذر گذاردن همه غریبه‌ها، دارودسته خود و حتی دورترین خویشاوندان خود را از گمنامی و ناپدید بیرون بکشد و مقامات پایتخت و ولایات را به آن بسپارد. البته به محض این که صدراعظم ساند شود، همه آنها نیز با وی از کار بیکار می‌شوند» (۲۶). این خصیصه هنوز نیز در ساختار روابط اداری حاکم است و با تعویض یک مدیر یا وزیر، بسیار از رؤسای دیگر تعویض شده و چهره گروهی از سازمانی به سازمان دیگر کوچ کرده جایگیری می‌کنند، خصیصه‌ای که به صورت یک هنجار درآمده و در واقع نوعی انتظار را بوجود آورده است. به نظر ماکس وبر که نظام‌های جوامع شرقی را پاتریمونیالیستی یا براساس سلسله موروثی می‌انگارد، علیرغم وجود استبداد مطلق «سازمان‌های نظامی و اداری گسترده‌ای شکل می‌گیرند که نه در جهت برخی اهداف مردمی بلکه در راستای حفظ قدرت اقلیت حاکم و جزو اختتام سرکوب جنبشهای اعتراضی و چپاول دسترنج زحمتکشان در این جوامع، مشروعیت نظام سیاسی، از شخصیت و خصایل غیرمادی سلطان یا پیشوا ناشی می‌شود» (۲۷) ویژگی‌های بارز نامطلوب بوروکراسی ایران عبارتند از ناهماهنگی نظام‌های اداری و ویژگی‌های وارداتی آن با نظام استبدادی با سیمای خشن و زورمدارانه و غیرمردمی، تسلط خواستها و منافع شخصی بر سازمان‌های اداری و لذا خودمحوری مدیران و ارباب‌منشی آنان، پرورش روحیات سرخوردگی، عدم امنیت شغلی، بی‌علاقگی، برانگیختگی، تنهایی، خیرچینی، کم‌کاری، کسالت و ناکارایی، توزیع نامتناسب نیروی انسانی در مشاغل براساس دوستی، خویشاوندی، توصیه‌ها و ارتباطات

غیررسمی که در نهایت افت کارآیی از لحاظ ۱۸ میلادی بخواند تا با تقسیم سلسله مراتب دهد. به مشارکت ارتباطی ساخت که بوروکراسی نداشته و مارکسیست است. بخش افت کار از برداشتن سیاسی مشورت سال‌ها اداری می‌روند موجب بطور تناسبی تصور کار، بیشتر بخش موجب روزه‌بیکار می‌روند اداره بی‌مسئولیت است. توسعه در نظامی

بررسی بدون توجه به شایستگی‌ها و تخصص  
 نهایت سبب گسترش روابط به جای ضوابط و  
 کارایی و بازدهی سازمان اداری می‌شود.  
 از لحاظ نظری منشأ واژه بوروکراسی به قرن  
 ایلیادی باز می‌گردد. به نظر وبر جامعه‌ای که  
 بر مبنای پیشرفت کند باید بوروکراسی داشته باشد  
 یا تقسیم کار، روابط غیررسمی را از بین برده،  
 مراتب را حفظ کرده و کارایی را افزایش  
 نماید. بنظر مارکسیستها، بوروکراسی باعث از  
 سر بیگانگی کارمندان می‌شود چنانچه که مانع  
 سازگاری آنان در تصمیم‌گیری شده و سازمانها پل  
 ارتباطی حکومت و مردم می‌شوند. با توجه به  
 ساخت اداری جامعه ایران می‌توان اذعان داشت  
 بوروکراسی به مفهوم «وبری» در ایران وجود  
 داشته و در عین حال ویژگی القاء شده از سوی  
 مارکسیستها یکی از ویژگی‌های نظام اداری ایران  
 است. خروج نیروهای متخصص و اندیشمندان از  
 بخش عمومی یا بطور اخص بخش دولتی، باعث  
 کارایی نظام اداری شده که از دلایل آن به غیر  
 پرداختهای اندک، وجود فیلتر گزینش عقیدتی و  
 سیاسی است که هر چند در شرایط بحبوحه انقلاب  
 شمرته شده و کارکرد مناسبی داشت ولی از  
 دهه‌های اخیر تاکنون به عنوان مانع توسعه نظام  
 اداری از لحاظ کیفی و افزایش اثربخشی آن بشمار  
 برده. خالی بودن مشاغل اداری از متخصص  
 موجب جذب افراد غیرمتخصص و گاه (حداقل  
 مورد علی‌الظاهر) متمهد شده و بر مکانیزم عدم  
 تشب و شغل و تحصیل دامن زده و در نهایت چون  
 ضرر مدیریت بر این است که علت انجام نیافتن  
 کارهاش و کمبود نیروی انسانی است، پرسنل  
 شغری را جذب کرده و در نهایت موجب تورم  
 بخش دولتی می‌گردد. این سازمان دیگر به صورت  
 موجودی درمی‌آید که سرش کوچکتر شده و بدنش  
 روز بروز بزرگتر می‌گردد که اصطلاحاً بدان پدیده  
 میکروسفالی (Microsophaly) می‌گویند. چنین  
 پدیده‌ای موجب نبود سیستم تحقیقاتی در نظام  
 اداری و لذا یکنواختی و تداوم سیاستهای غلط و  
 پاره، اتلاف منابع انسانی و مالی و طبیعی،  
 اتلاف زمان به عنوان کمبایترین پارامترهای  
 سه‌ای، فقدان اطلاعات دقیق، به موقع و جامع و  
 دست می‌گردد. هنری مورز می‌نویسد «اگر  
 فرضی بخواهد در ایران صاحب شغل و کار و  
 می‌شود، تقویت و تنخواه یا پول و یا پارتی  
 دارد. قابلیت و شایستگی در ایران به کار  
 می‌خورد زیرا در مملکتی که حکومت و قانون به  
 نفع نیست و نجابت هم موروثی نیست، حاکم،  
 اقتدار را خواهد داشت» (۲۸). حال خروج از  
 بوروکراسی خواه تصفیه عناصر آن باشد یا  
 سازی بسیاری از سازمان‌های دولتی و سپردن  
 به بخش خصوصی یا زدودن موانع ارتقاء و  
 علمی و عملکردی نظام اداری همچون

گزینش عقیدتی و انتصاب مدیریت علمی و پایدار  
 و رشد و رواج تحقیق و آموزش منابع انسانی در  
 حین کار و تأمین اشتغال پایدار و معیشت حداقلی،  
 بهرحال شناسایی کاستیها و نبودهای نظام اداری  
 ایران از جهات فرهنگی و اصلاح یا هدایت و  
 سازماندهی مجدد خصایص فرهنگی آن بر اساس  
 نظامی منطقی و عقلایی مبتنی بر هدف و قانون و  
 تفحص، می‌تواند راهگشای عمل شود. بدون  
 شناخت عناصر ناکارآمد و تمیز آن از عناصر مفید و  
 کارآ و جدایی آنها از نظام اداری و پالایش و آرایش  
 مجدد آن، بخشهای دوگانه فعالیت اقتصادی یعنی،  
 صنعت و کشاورزی نخواهند توانست به کارکرد  
 بهینه خود و افزایش بهره‌وری دست یابند. دستیابی  
 به یک سیستم اداری کارآمد مستلزم وجود  
 برنامه‌های سیستماتیک و علمی تحقیق، آموزش و  
 مدیریت علمی است تا با طراحی سنجیده مسائل  
 تحقیق، توان بهره‌برداری صحیح و مبتنی بر هدف  
 علمی را از نتایج تحقیق داشته و با آموزش نیروی  
 انسانی خواه در بدو استخدام و خواه در حین  
 خدمت، بتوان از منابع انسانی و مالی و زمان به  
 بهترین وجه استفاده کرده و قابلیت بازدهی بدنه  
 سازمان و نظام بوروکراتیک کشور را ارتقاء بخشید.  
 بهرحال «از نظر تعریف اصطلاحات اقتصادی، تنها  
 متغیر تعیین‌کننده، موفقیت یک ملت نیست. علاوه  
 بر موفقیت‌های اقتصادی به ویژه استاندارد زندگی،  
 عوامل دیگری مانند موفقیت در دستیابی به اهداف  
 فرهنگی نیز نقش برجسته‌ای در موفقیت کلی یک  
 ملت ایفا می‌کند».

**فهرست منابع:**

- Corporat Culture & Bouductivity, Apo, 1992  
 - HRD: From mxcro to micro prespectives, Hogland, 1991  
 - Policies & Priorities in HRD for Asia & Pacific, L.T.Ghee, 1993  
 - Role of Reflective Practice, O.Gelinier, 1994  
 - اقتصاد سیاسی ایران، کاتوزیان، ترجمه نفیس، جلد ۱ و ۲، ۱۳۷۱  
 - سازمان، مدیریت و توسعه منابع انسانی، سیاوش گلابی، ۱۳۶۸  
 - ایران و ایرانی: تحقیق در سفرنامه خارجی، علامرضا انصافیور، ۱۳۶۴  
 - انفعال در عصر تهاجم فرهنگی، علی طایفی، همشهری، ۲۳ آبان ۱۳۷۱  
 - توسعه و فرهنگ، عبدالکریم سروش، نامه فرهنگ، شماره ۹، ۱۳۷۲  
 - افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در عصر قاجار، آدمیت و ناطق ۱۳۵۸

- فرهنگ جامعه‌شناسی، نامه وترنر، ترجمه حسن پویان، ۱۳۶۷  
 - توسعه و فرهنگ، حسین عظیمی، نامه فرهنگ، شماره ۹، کار، پیشه و پول، احمد کسروی، بی‌جا، بی‌تا  
 - توسعه و فرهنگ، سریع‌القلم، نامه فرهنگ، شماره ۹  
 - نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، وهرام، ۱۳۶۲  
 - تجدد، عقلانیت و توسعه، فرهنگ و توسعه، شماره ۵  
 - تاریخ مذکر، رضا براهینی، ۱۳۶۱  
 - نقد و نگرش بر اصطلاحات علمی و اجتماعی، محمد آراسته‌خو، ۱۳۶۸

**پی‌نوشت:**

۱- سازمان، مدیریت و توسعه منابع انسانی، سیاوش گلابی، صص ۸۷-۱۸۶  
 2- The Role Of Reflective Practice, O. Gelinier, ...P. 144  
 3- HRD in Asia & Pacific... P. 19  
 ۴- ایران و ایرانی، انصافیور... صص ۲۰۹  
 ۵- انفعال در عرصه تهاجم فرهنگی، طایفی... صص ۶  
 ۶- ایران و ایرانی... صص ۷۲  
 ۷- توسعه و فرهنگ، عبدالکریم سروش... صص ۲۶  
 ۸- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در عصر قاجار، آدمیت و ناطق... صص ۱۶  
 ۹- ایران و ایرانی... صص ۱۶۶  
 ۱۰- توسعه و فرهنگ، حسین عظیمی... صص ۲۶  
 ۱۱- ایران و ایرانی... صص ۵۸  
 ۱۲- کار، پیشه و پول، احمد کسروی... صص ۲۰  
 ۱۳- همانجا... صص ۱۹  
 ۱۴- نظام سیاسی و سازمان‌های اجتماعی ایران در عصر قاجار، وهرام... صص ۱۸۲  
 ۱۵- تجدد، عقلانیت و توسعه، جواد طباطبائی... صص ۳۸  
 ۱۶- تاریخ مذکر، رضا براهینی... صص ۱۷-۳۱۵  
 ۱۷- فرهنگ جامعه‌شناسی، کرامبی و استفنسن... صص ۳۱۳  
 ۱۸- نقد و نگرش بر اصطلاحات علمی و اجتماعی، محمد آراسته‌خو... صص ۲۲۵  
 ۱۹- تجدد، عقلانیت و توسعه، طباطبائی... صص ۳۸  
 ۲۰- همانجا... صص ۳۸  
 ۲۱- همانجا... صص ۳۸  
 22- Corporate Culture and Productivity, APO... P. 606  
 ۲۳- فرهنگ جامعه‌شناسی، کرامبی، استفنسن وترنر... صص ۴۹  
 ۲۴- همانجا... صص ۵۰  
 ۲۵- اقتصاد سیاسی ایران، کاتوزیان... صص ۳۲  
 ۲۶- ایران و ایرانی، انصافیور... صص ۹۵  
 ۲۷- سازمان، مدیریت و توسعه منابع انسانی، گلابی... صص ۱۰۴  
 ۲۸- ایران و ایرانی، انصافیور... صص ۹۵